



تمدن اسلامی را در مشترکات بین انسان و فرشته باید جستجو کرد

تمدن اسلامی را در مشترکات بین انسان و فرشته باید جستجو کرد، انسان و فرشته در بسیاری از مسایل شرکت دارند که برجسته‌ترین آنها سه اصل معروف جهان‌دانی و جهان‌داری و جهان‌آرایی است.

تمدن اسلامی را در مشترکات بین انسان و فرشته باید جستجو کرد، انسان و فرشته در بسیاری از مسایل شرکت دارند که برجسته‌ترین آنها سه اصل معروف جهان‌دانی و جهان‌داری و جهان‌آرایی است.

به گزارش خبرگزاری مهر، به همت دانشگاه شاهد نخستین همایش ملی تمدن نوین اسلامی با پخش پیام تصویری آیت الله جوادی آملی ۱۶ مهرماه در محل این دانشگاه برگزار شد.

متن کامل پیام آیت الله جوادی آملی به شرح زیر است:

أعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

«الحمد لله ربّ العالمین و صلی الله علی جمیع الأنبیاء و المرسلین و الأئمة الهداة المهدیین سیما خاتم الأنبیاء و خاتم الأوصیاء» (علیهما آلاف التحية و الثناء) بهم تنوتی و من أعدائهم تنبّیء الی الله.

مقدم شما فرهیختگان و دانشوران حوزوی و دانشگاهی را گرامی می‌داریم، از همه اندیشمندانی که با ارائه مقاله یا ایراد مقال بر وزن علمی این همایش افزودند حق‌شناسی می‌کنیم، از برگزارکنندگان این همایش به نام تمدن نوین اسلامی سپاسگزاریم، از خدای سبحان مسئلت می‌کنیم سعی همگان را بلیغ بدارد و مشکور خود قرار دهد! به همگان پاداش دنیا و آخرت مرحمت کند!

تمدن اسلامی را در مشترکات بین انسان و فرشته باید جستجو کرد، انسان یک سلسله مشترکاتی با حیوان دارد که همایش‌های ویژه‌ای در این راستا تشکیل می‌شود به عنوان تشخیص بیماری‌های مشترک بین انسان و دام که جوابگوی بسیاری از این مسایل، آزمایشگاه موش است؛ اما در تبیین تمدن اسلامی باید کنگره و همایشی داشته باشیم که بیانگر مشترکات انسان و فرشته است. انسان و فرشته در بسیاری از مسایل شرکت دارند که برجسته‌ترین آنها سه اصل معروف جهان‌دانی و جهان‌داری و جهان‌آرایی است؛ فرشتگان به تعلیم الهی جهان را خوب می‌شناسند، در صیانت جهان جزء مدبّرات امرند، در آرایش جهان جزء تزیین‌کنندگان صحنه گیتی و ماورای طبیعت هستند. انسان از آن جهت که با فرشتگان در آن اصول مشترک است یک جهان‌دان خوبی است، یک جهان‌دار خوبی است، یک جهان‌آرای خوبی است.

از وجود مبارک امام صادق(علیه السلام) رسیده است که تمدن اسلامی مرهون سه عنصر اصیل علمی و دینی است: «لا یستغنی اهلُ کلِّ بلدٍ عن ثلاثٍ یقرّخُ لَیْهم فی أمرِ دُنیاهُم و آخرتَهم فإِنْ عَدِمُوا ذَکَ کَاثُوا هَجْجاً»، سه عنصر اصلی است که هیچ ملت متمدنی از آنها بی‌نیاز نیست و اگر ملتی فاقد آنها بود، زندگی او زندگی همج و حیوانی است، زندگی معقول و مقبولی نخواهد داشت: «فقیه عالم وزع و امیر خیر مطاع و طیب بصیر ثقة»، [۱] داشتن حوزه‌های علمی و دانشگاه‌های علمی که مردان متفکر متفقه و ارسته تربیت می‌کند و پزشکان حاذق، امین و باتجربه و موثق تربیت کند که بیماری‌های ظاهری را تشخیص بدهند و داشتن نیروی نظامی و انتظامی که حریم کشور را حفظ کند، نه به بیگانه تجاوز کند، نه اجازه دهد بیگانه به حریم کشور او تجاوز کند، داشتن این سه عنصر اصلی، نشانه تمدن یک ملت است که نه به بیگانه حمله می‌کند نه اجازه می‌دهد که بیگانه به مردم آنها بتازد. جهل علمی و جهالت عملی را با داشتن علم و اخلاق از بین می‌برد و سعی می‌کند عاقلانه به سر ببرد، این درباره حیات معنوی و تمدن معنوی یک ملت.

درباره حیات ظاهری و تمدن ظاهری آن ملت هم امام صادق(سلام الله علیه) چنین فرمود: «لا تطیب السکتی إلا بثلاثِ الهواء الطیب و الماء الغزیر العذب و الأرض الخوّارة»؛ [۲] یعنی زندگی چه در شهر، چه در روستا و قتی گواراست که با این اصول سه‌گانه همراه باشد: یکی داشتن هوای سالم و محیط سالم و منزّه از آلودگی، دوم داشتن سرزمین حاصلخیز، سوم داشتن آب فراوان که جامعه را از نیازمندی به غیر برهاند. مستحضرب که ادبیات قرآنی یک ادبیات شسته و رقیق و ظریف و مهندسی‌شده است، برخی از ادبیات خام است برخی از ادبیات پخته است اگر یک کارگر یا بتای عادی بخواهد دیواری را بچیند، همان سنگ‌هایی که از زیر خاک درآورده یا از دل کوه درآورده، مقداری اطراف این سنگ را با همان ابزار بنایی که دارد، اصلاح می‌کند، همان سنگ را با همان سطح تسطیح‌نشده میان دیوار می‌گذارد؛ ولی یک مهندس یا معمار این سنگ را؛ نظیر سنگ مرمر ایتالیا صاف می‌کند، تمام فراز و شکستگی‌های آن را برطرف می‌کند پستی و بلندی‌های آن را و ناصافی‌های آن را صاف می‌کند، به صورت یک صفحه بلورین لطیف درمی‌آورد، آن را تحویل بتا می‌دهد. این صافکاری یک مهندس باعث می‌شود که آن دیوار ظریف‌تر و محکم‌تر چیده شود و می‌ماند. ادبیات هم چنین است، برخی‌ها این لغات را بدون صاف کردن با همان برجستگی‌ها و ناصافی به کار می‌برند، ولی قرآن کریم ادبیات شسته و رفته‌ای دارد، مثل اینکه سنگ‌ها را به صورت یک تابلوی رزین درمی‌آورد و صاف و شفاف می‌کند.

برای تأمین اقتصاد و بیان اقتصاد کسی که توانمند است که غنی است، کسی که ناتوان است، تهیدست است، نمی‌گوید او فاقد است، ندارد، می‌گوید او فقیر است؛ فقیر به معنای ندار نیست. فقیر، یعنی کسی که ستون فقراتش شکسته است. برای تبیین اهمیت اقتصاد بیان قرآن کریم این است، ملتی که جیبش تهی است و دستش تهی است و خالی است، این مانند انسان ویلچری است که ستون فقرات او شکسته است، قدرت قیام ندارد، قدرت مقاومت ندارد، ملت تهیدست مقاوم نخواهد بود، چه اینکه ملت تهیدست اهل تملق و چاپلوسی است؛ لذا قرآن کریم از کسی که ندارد به عنوان ذی‌املاق یاد می‌کند: «لا تقتلوا أولادکم خشیة إِملاق» [۳] املاق؛ یعنی تملق؛ یعنی چاپلوسی کردن؛ یعنی کوتاه آمدن؛ یعنی تملق‌گویی و مانند آن. کسی که تهیدست است و تهی‌کیف و جیب است، اهل تملق خواهد بود، تعبیر قرآن از ملت ندار به عنوان اهل املاق است: «لا تقتلوا أولادکم خشیة إِملاق»؛ بنابراین ملتی می‌تواند مقاوم باشد و روی پای خود بایستد که دارای اقتصاد مقاوم باشد، ملتی از حیات طرّفی می‌بندد و زنده است که بتواند جهان‌دان و جهان‌دار و جهان‌آرا باشد، اینها مشترکات بین انسان و فرشته است که تمدن را اینها می‌سازند.

مطلب دیگر آن است که بهره‌برداری از نظام برای حفظ حیات است نه برای از بین بردن حیات. تعبیر قرآن کریم این است که اگر کسی یک نفر را از بین ببرد، گویا جامعه را یا همه مردم را از بین برد؛ یعنی برای انسانیت انسان حرمتی قائل نشد. قرآن کریم نمونه‌ای از حکام و سلاطین و حکمرانان الهی را مطرح می‌کند که همه آنها با داشتن قوی‌ترین امکانات سعی کردند کاری نکنند که خونی ریخته شود: یکی جریان داود پیامبر است که رهبری انقلاب را به عهده گرفت بر اساس «قتل داود جالوت»؛ [۴] اما امکاناتی خدا به او داد که قوی‌ترین آنها همان و اثنا له الحدید؟ [۵] بود که آهن خام و سرد در دست داود پیامبر، همچون موم نرم می‌شد؛ اما او از این قدرت الهی سوء استفاده نکرد، از این آهن، شمشیر و دشنه و تیر و نیزه و خنجر نساخت، بلکه سلاح دفاعی بافت که فرمود: وَ عَلَمْنَاهُ صَنْعَةَ بُوسٍ لِّکمْ؟ [۶] این برای آن است که به ما نشان بدهد از قدرت جهانی برای حفظ حیات و حفظ وحدت و حفظ صلح و آرامش باید استفاده کرد.

همچنین سلیمان بن داود(سلام الله علیه) او حکومت تشکیل داد و مهم‌ترین قدرتی که ذات اقدس الهی در اختیارش قرار داد، این بود که همه جن و انس را از طرفی سلسله جبال و مانند آن را برای داود و سلیمان(سلام الله علیه) مسخر کرد؛ اما با همه امکانات که فرمود: «وَأَسْلَمْنَا لَهُ عَیْنَ الْقَظَرِ» [۷] ما برای سلیمان(سلام الله علیه) مس را، مثل چشمه آب، روان ساختیم آن حضرت با چنین امکاناتی، هرگز از مس به عنوان ابزار کشتار جمعی چیزی استفاده نکرد، فقط ابزار عادی و سودمند و مفید ساخت، دیگ ساخت، دیگ‌بر ساخت و مانند آن که؟ وَ أَسْلَمْنَا لَهُ عَیْنَ الْقَظَرِ؛ یعنی ما چشمه مس را برای او روان ساختیم؛ یعنی معدن مس را، مثل چشمه آب روان ساختیم، او همه بهره‌ها را می‌توانست، از چشمه روان مس ببرد، ولی مأموریت یافت که از آن خانه بسازد نه وسیله کشتار

جمعی، این نشان می‌دهد که تمدن در خونریزی نیست، تمدن در سایه وحدت و محبت و انس حاصل می‌شود.

نمونه دیگری هم که باز قرآن کریم در این زمینه مطرح می‌کند این است که در بحث‌های اخلاقی و معنوی به ما فرمودند: «الدُّعَاءُ سِلَاحُ الْمُؤْمِنِ» [۸] دعا اسلحه است، دعای انسان وارسته مستجاب می‌شود؛ اما آیا این دعا به صورت تقریب باشد یا به صورت درخواست هدایت، درخواست محبت، درخواست عنایت باشد، اگر آهن خام را در دست داود نرم کرد، لکن داود مأمور شد از آن زره ببافد و اگر چشمه مس را برای سلیمان (سلام الله علیه) روان کرد، ولی سلیمان (سلام الله علیه) مأمور شد از آن دیگ و مانند آن بسازد، جریان «الدُّعَاءُ سِلَاحُ الْمُؤْمِنِ» هم چنین است. دعا اسلحه مؤمن است، طبق روایات ما؛ اما وقتی باز می‌کنند می‌فرماید: «الدُّعَاءُ ثَرَسُ الْمُؤْمِنِ»؛ [۹] یعنی او سلاح دفاعی دارد، مؤمن به جای اینکه از دعا، تقریب استفاده کند؛ یعنی سخن از براندازی و مانند آن به میان بیاورد، سخن از حفظ جان یک ملت، حفظ ناموس یک ملت و مانند آن مطرح می‌کند: «الدُّعَاءُ ثَرَسُ الْمُؤْمِنِ» این سپر مؤمن است.

اساس این بحث چه آن آیات، چه این روایات نشان می‌دهد که جامعه را عقل و محبت اداره می‌کند، جهل علمی و جهالت عملی مزاحم تمدن جامعه است، جامعه‌ای متمدن خواهد بود که عقلانیتش و محبتش در سایه رهبری‌های انبیاي عظام به حد نصاب خود برسد و در سایه محبت و وداد و عقلانیت جامعه را متمدن کند که امیدواریم ملت اسلامی ما طعم تمدن دینی را بچشد که نه بیگانه‌ای در اینجا طمع کند و نه آشنایی برنجد.

من مجدداً مقدم همه شما دانشمندان را گرامی می‌دارم از برگزارکنندگان این همایش هم حق‌شناسی می‌کنیم، از ذات اقدس الهی مسئلت می‌کنیم به همه شما خیر دنیا و آخرت مرحمت کند!

«غفر الله لنا و لكم و السلام علیکم و رحمة الله و بركاته»

پی نوشت:

[۱]. تحف العقول، النص، ص ۳۷۱.

[۲]. تحف العقول، النص، ص ۳۲۰.

[۳]. سوره اسراء، آیه ۳۱.

[۴]. سوره بقره، آیه ۲۵۱.

[۵]. سوره سبأ، آیه ۱۰.

[۶]. سوره انبیا، آیه ۸۰.

[۷]. سوره سبأ، آیه ۱۲.

[۸]. الکافی (ط - اسلامی)، ج ۲، ص ۴۶۸.

[۹]. الکافی (ط - اسلامی)، ج ۲، ص ۴۶۸.